





به نام خدا

## مشور اخلاق پژوهش

بیاباری از خداوند سبحان و اعتماد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، مآد انشجویان و اعضاء هیات علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی در نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

۱- اصل برنت: التزام به برنت جویی از حرکت رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به مثابه های غیر علمی می آلاینند.

۲- اصل رعایت و انصاف و امانت: تمهید اجتناب از حرکت جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.

۳- اصل ترویج: تمهید رواج دانش و ارائه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بهکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.

۴- اصل احترام: تمهید رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تعدد و خودداری از حرکت حرمت شکنی.

۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران و سایر صاحبان حق.

۶- اصل رازداری: تمهید صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشورهای افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.

۷- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.

۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تمهید رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بهکاران پژوهش.

۹- اصل منافع ملی: تمهید رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.



**دانشگاه آزاد اسلامی**

**واحد تهران مرکزی**

**دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه الهیات**

**پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)**

**گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی**

**موضوع:**

**جواز تجدیدنظر خواهی از آراء محاکم قضایی با رویکردی به فقه امامیه**

**و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲**

**استاد راهنما:**

**دکتر جمشید معصومی**

**پژوهشگر:**

**مهدی صدیقی**

**تابستان ۱۳۹۴**

# مهدی جان

هر دم که زَنَمِ دَم ز تُو ، دَر دَم به سَر آید...  
در، دَم ، همه دَر دَم ، رَوَد و خنده در آید...  
پس دَم به دَم و دَر همه دَم ، از تُو زَنَمِ دَم ...  
تا آن دَمِ آخر که دَم از سینه بَر آید...

تقدیم به:

چشمه های جوشان محبت

جلوه های مهر و عطوفت الهی

لبخند های پر مهر زندگیم

پدر عزیز و مادر گرامیم

که در تمام مراحل زندگی ، به من راه و رسم درست زیستن را آموختند .

و موهبت بزرگ الهی ام ، دخترم

و همسر مهربانم که همواره در تمام طول تحصیل همگام و مشوق من بوده است .

و تقدیم به ارواح طیبه شهدا و سالار شهیدان که انسانیت، مرهون ایثار و فداکاریشان است .

## سپاسگزاری:

با حمد و سپاس به آستان خداوندگار مهربانی و دوستی، خداوندی که نعمت دانش اندوزی در محضر اساتید فرزانه را به من ارزانی داشت، به مصداق کلام گرانمایه حضرت امیر المومنین علی علیه السلام که فرمودند:

مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا. (نراقی ۱۳۸۲ ج ۳ ص ۱۱۲)

برخود لازم می دانم به مصداق کلام گهربار امام صادق علیه السلام که میفرمایند (مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ) از استاد ارجمند جناب آقای دکتر معصومی که در تمام مراحل تدوین این پایانامه مرا راهنمایی و ارشاد فرمودند و از مدیر محترم گروه آقای دکتر بهرامی نژاد که در پیشبرد مراحل این پژوهش مرا یاری دادند و از نیز آقای دکتر مسعودی مقام سرپرست محترم دانشگاه علمی کاربردی دادگستری کل استان تهران که همواره پشتوانه علمی و یاری رسان حقیر بوده اند تقدیر و تشکر نمایم. توفیقات اساتید معزز را از خدای عزوجل خواهان و خواستارم.

## تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب مهدی صدیقی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۹۲۰۰۲۶۲۶۲ در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی که در تاریخ ۹۴/۶/۲۴ از پایان نامه خود تحت عنوان: جواز تجدید نظر خواهی از آراء محاکم قضایی با رویکردی به فقه امامیه و قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

با کسب نمره: ۱۸ و با درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

- ۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
- ۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء

## بسمه تعالی

درتاریخ: ۹۴/۶/۲۴

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای مهدی صدیقی از پایان نامه خود دفاع نموده  
و با نمره ۱۸ بحروف هجده و با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

بسمه تعالی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

\*\*\*\*\*

( این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است )

نام واحد دانشگاهی : تهران مرکزی	کد واحد: ۱۰۱	کد شناسایی پایان نامه : ۱۰۱۲۰۴۰۷۹۳۱۰۱۱۸
عنوان پایان نامه : جواز تجدید نظر خواهی از آراء محاکم قضایی با رویکردی به فقه امامیه و قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲		
نام و نام خانوادگی دانشجو : مهدی صدیقی	تاریخ شروع پایان نامه : ۱۳۹۳/۰۸/۰۷	تاریخ اتمام پایان نامه : ۱۳۹۴/۰۶/۲۴
شماره دانشجویی : ۹۲۰۰۲۶۲۶۲		
رشته تحصیلی : الهیات - فقه و مبانی حقوق اسلامی		
استاد / استادان راهنما : دکتر جمشید معصومی		
استاد / استادان داور: دکتر علی بهرامی نژاد - دکتر اسدی مهماندوست		
چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده) :		
<p>از مهمترین وظایف حکومت های ایجاد نظم و فصل خصومت افراد و برقراری عدالت در جامعه است. در این راستا محاکم مهم ترین تجلی گاه این وظیفه حکومت می باشند. آنچه مسلم است قضات دادگاهها به واسطه انسان بودن مصون از خطا و اشتباه نبوده و در هر دادرسی احتمال سهو و خطا را نمی توان منتفی دانست، از اینرو نظارت بر نحوه رسیدگی و صدور حکم، ضروری است و از طرف دیگر تسریع در رسیدگی و فصل خصومت مستلزم اینست که رسیدگی ها و نظارت ها در یک نقطه به پایان برسد و چنین فرض شود که رأی قاضی مطابق با اصول و واقعیت است. تجدیدنظر از آراء دادگاهها به لحاظ اهمیت و تأثیر آن در احقاق حقوق اصحاب دعوی یکی از مباحث بحث انگیز آئین دادرسی بوده که با سطحی نگری و عدم تعمق در کلام فقها و متون فقهی، قوانین مربوط به این موضوع چندین مرتبه به فاصله زمانی کم در حقوق موضوعه ایران تغییر پیدا کرده است. نتیجه اینکه در مورد جواز تجدیدنظر خواهی هر چند در فقه، بحث منسجمی از آن مطرح نگردیده و روش و ترتیبی برای آن تعیین نشده ولی در هیچیک از نصوص و متون فقهی، تجدیدنظر نظر خواهی از حکم قاضی منع نگردیده و اصل را در فقه امامیه بر قطعی بودن احکام و لازم الاتباع بودن احکام می داند و عقل نیز به لحاظ ممکن الخطاء بودن بشر و احتمال اشتباه حکم به جواز تجدیدنظر خواهی می نماید. لذا با بررسی سیر قانونگذاری در ایران در می یابیم که بررسی مجدد حکم قاضی و نقض آن در حقوق موضوعه ما به عنوان یک اصل مسلم بوده است و دوماً مرحله ای بودن دادرسی، ضریب دقت را به بالاترین حد ممکن می رساند و تأثیر روانی و پیشگیرانه زیادی بر قاضی صادرکننده رأی می گذارد. اما چند مرحله ای بودن دادرسی نباید به گونه ای باشد که موجب به تعویق انداختن اجرای حکم و بی اعتمادی مردم به دستگاه عدالت باشد.</p>		
واژگان کلیدی: تجدیدنظر- نقض آراء- حکم دادگاه- لزوم قضایی		

تاریخ امضاء

مناسب است

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه

مناسب نیست



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>فصل اول: کلیات</b>
۲.....	مقدمه
۶.....	۱-۱ بیان مسأله
۷.....	۲-۱ سوالات تحقیق
۷.....	۳-۱ فرضیات تحقیق
۸.....	۴-۱ روش تحقیق
۸.....	۵-۱ مفاهیم
۸.....	۱-۵-۱ تجدیدنظر خواهی
۹.....	۱-۱-۵-۱ مفهوم لغوی
۹.....	۲-۱-۵-۱ مفهوم اصطلاحی
۱۰.....	۳-۱-۵-۱ مفهوم قانونی
۱۳.....	۴-۱-۵-۱ مفهوم فقهی
۱۳.....	۲-۵-۱ نقض آراء
۱۴.....	۱-۲-۵-۱ مفهوم لغوی
۱۴.....	۲-۲-۵-۱ مفهوم اصطلاحی
۱۵.....	۳-۲-۵-۱ مفهوم فقهی
۱۶.....	۳-۵-۱ حکم و آراء محاکم
۱۶.....	۱-۳-۵-۱ مفهوم لغوی
۱۷.....	۲-۳-۵-۱ مفهوم اصطلاحی
۱۸.....	۳-۳-۵-۱ مفهوم فقهی
۱۸.....	۴-۵-۱ لزوم قضایی
۲۰.....	۶-۱ پیشینه تاریخی تجدید نظر
۲۰.....	۱-۶-۱ حمورابی و تجدید نظر

- ۱-۶-۲ سیر تکوین و تطور تجدیدنظر خواهی پیش از انقلاب اسلامی ..... ۲۱
- ۱-۶-۳ سیر تکوین و تطور تجدیدنظر خواهی پس از انقلاب اسلامی ..... ۲۱
- ۱-۶-۴- تجدیدنظر در دوره فقه اسلامی و تاریخ تطور آن ..... ۴۲
- ۱-۷-۷ طرق تجدیدنظر خواهی ..... ۴۴
- ۱-۷-۱ طرق عادی ..... ۴۵
- ۱-۷-۱-۱ واخواهی ..... ۴۵
- ۱-۷-۱-۲ تجدیدنظر ..... ۴۷
- ۱-۷-۱-۲-۱ تجدیدنظر عام ..... ۴۹
- ۱-۷-۱-۲-۲ تجدیدنظر خاص ..... ۵۰
- ۱-۷-۲ تجدیدنظر خواهی فوق العاده ..... ۵۰
- ۱-۷-۲-۱ فرجام خواهی ..... ۵۰
- ۱-۷-۲-۲ اعاده دادرسی ..... ۵۲
- ۱-۸-۱- محدوده تجدیدنظر و رابطه آن با فلسفه قضا ..... ۵۴

### فصل دوم: ماهیت، مبانی ادله جواز و عدم جواز تجدیدنظر خواهی

- ۱-۲ ماهیت تجدیدنظر خواهی ..... ۵۸
- ۱-۱-۲-۱-۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ..... ۵۸
- ۱-۲-۲ فقه امامیه ..... ۶۲
- ۱-۲-۲ مبانی تجدیدنظر خواهی ..... ۶۹
- ۱-۲-۲-۱ مبانی حقوقی ..... ۶۹
- ۱-۲-۲-۲ مبنای فقهی ..... ۶۹
- ۱-۲-۲-۲ حکم قاضی مجتهد ..... ۷۳
- ۱-۲-۲-۲-۲ تجدیدنظر در حکم قاضی غیر مجتهد (مأذون) ..... ۷۴
- ۱-۲-۲-۳ مبانی اجتماعی ..... ۷۵
- ۱-۲-۲-۴ مبانی عقلی ..... ۷۵
- ۱-۲-۳ ادله جواز و عدم جواز تجدیدنظر خواهی ..... ۷۶

- ۷۶..... ۱-۳-۲ ادله جواز
- ۸۲..... ۲-۳-۲ مسأله عدم جواز
- ۸۲..... ۱-۲-۳-۲ قانون آیین دادرسی کیفری
- ۸۳..... ۲-۲-۳-۲ فقه امامیه
- ۸۳..... ۱-۲-۲-۳-۲ بناء عقلا
- ۸۴..... ۲-۲-۲-۳-۲ آیات
- ۸۵..... ۳-۲-۲-۳-۲ روایات

### فصل سوم: جایگاه، ضرورت، احکام و آثار تجدیدنظر خواهی

- ۹۱..... ۱-۳ جایگاه تجدیدنظر خواهی
- ۹۱..... ۱-۱-۳ قانون آیین دادرسی کیفری
- ۹۹..... ۲-۱-۳ فقه امامیه
- ۹۹..... ۱-۲-۱-۳ ادعای مخالفت حکم با دلیل قطعی شرعی
- ۱۰۲..... ۲-۲-۱-۳ ادعای مخالفت حکم با دلیل ظنی شرعی
- ۱۰۴..... ۳-۲-۱-۳ ادعای مخالفت حکم با واقع ظنی
- ۱۰۴..... ۴-۲-۱-۳ ادعای عدم صلاحیت قاضی در صدور حکم
- ۱۰۶..... ۲-۳ ضرورت تجدیدنظر خواهی و دیدگاههای مختلف راجع به آن
- ۱۱۱..... ۳-۳ احکام و آراء دادگاه تجدیدنظر
- ۱۱۶..... ۴-۳ آثار تجدیدنظر خواهی
- ۱۱۶..... ۱-۴-۳ اثر تعلیقی :
- ۱۱۷..... ۲-۴-۳ اثر انتقالی :

### فصل چهارم: جمع بندی و نتیجه گیری

- ۱۱۹..... ۱-۴ جمع بندی
- ۱۲۳..... ۲-۴ نتیجه :
- ۱۲۷..... منابع

## چکیده

از مهمترین وظایف حکومت‌ها ایجاد نظم و فصل خصومت افراد و برقراری عدالت در جامعه است. در این راستا محاکم مهم‌ترین تجلی‌گاه این وظیفه حکومت می‌باشند. آنچه مسلم است قضات دادگاهها به واسطه انسان بودن مصون از خطا و اشتباه نبوده و در هر دادرسی احتمال سهو و خطا را نمی‌توان منتفی دانست، از اینرو نظارت بر نحوه رسیدگی و صدور حکم، ضروری است و از طرف دیگر تسریع در رسیدگی و فصل خصومت مستلزم اینست که رسیدگی‌ها و نظارت‌ها در یک نقطه به پایان برسد و چنین فرض شود که رأی قاضی مطابق با اصول و واقعیت است. تجدیدنظر از آراء دادگاهها به لحاظ اهمیت و تأثیر آن در احقاق حقوق اصحاب دعوی یکی از مباحث بحث‌انگیز آئین دادرسی بوده که با سطحی‌نگری و عدم تعمق در کلام فقها و متون فقهی، قوانین مربوط به این موضوع چندین مرتبه به فاصله زمانی کم در حقوق موضوعه ایران تغییر پیدا کرده است. نتیجه اینکه در مورد جواز تجدیدنظر خواهی هر چند در فقه، بحث منسجمی از آن مطرح نگردیده و روش و ترتیبی برای آن تعیین نشده ولی در هیچیک از نصوص و متون فقهی، تجدیدنظر نظر خواهی از حکم قاضی منع نگردیده و اصل را در فقه امامیه بر قطعی بودن احکام و لازم‌الاتباع بودن احکام می‌داند و عقل نیز به لحاظ ممکن الخطاء بودن بشر و احتمال اشتباه حکم به جواز تجدیدنظر خواهی می‌نماید. لذا با بررسی سیر قانونگذاری در ایران در می‌یابیم که بررسی مجدد حکم قاضی و نقض آن در حقوق موضوعه ما به عنوان یک اصل مسلم بوده است و دومرحله‌ای بودن دادرسی، ضریب دقت را به بالاترین حد ممکن می‌رساند و تأثیر روانی و پیشگیریانه زیادی بر قاضی صادرکننده رأی می‌گذارد. اما چند مرحله‌ای بودن دادرسی نباید به گونه‌ای باشد که موجب به تعویق انداختن اجرای حکم و بی‌اعتمادی مردم به دستگاه عدالت باشد.

واژگان کلیدی: تجدیدنظر - نقض آراء - حکم دادگاه - لزوم قضایی

# فصل اول :

## کلیات

## مقدمه

از مهم ترین وظایف حکومت ها برقراری نظم و فصل خصومت افراد و بالاخص احقاق حق و برقراری عدالت در جامعه است. در این راستا محاکم مهم ترین تجلی گاه این وظیفه حکومت می باشند.

در تمام جوامع ، حکومت ها در تلاشند تا علاوه بر اینکه در سریع ترین زمان ممکن به حل و فصل اختلافات بپردازند به اجرای عدالت و احقاق حق نیز در این فصل خصومت نظر دارند.

آنچه مسلم است قضات دادگاه ها به واسطه انسان بودن مصون از خطا و اشتباه نیستند و در هر دادرسی احتمال سهو و خطا را نمی توان منتفی دانست ، از این رو نظارت بر نحوه رسیدگی و صدور حکم ، ضروری است و ازطرف دیگر تسریع در رسیدگی و فصل خصومت مستلزم اینست که رسیدگی ها و نظارت ها در یک نقطه به پایان برسد و چنین فرض شود که رأی قاضی مطابق با اصول و واقعیت است.

پیشرفت بشری در زمینه علوم و تکنولوژی باعث شده است در مقایسه با جوامع ابتدائی وضعیت دگرگون و روز به روز بر حجم دعاوی و پیچیدگی کیفی آنها افزوده گردد.

از طرف دیگر دقت در رسیدگی بیش از پیش اهمیت پیدا کرده و حل و فصل انبوه دعاوی با تنوع بسیار زیاد مستلزم اتخاذ تدابیری است که با در نظر گرفتن اهمیت گذر زمان و عواقب سوء آن در اقتصاد و نظم جامعه، دقت در دادرسی و برقراری عدالت تا حد ممکن تأمین گردد.

دقت در دادرسی و نظارت بر نحوه دادرسی دادگاه ها در مراجع بالاتر اگر چه از اهمیت به سزایی برخوردار است لیکن نباید به گونه ای باشد که مانع از ختم دعاوی گردد.

از این رو در اغلب کشورها پس از دو درجه رسیدگی به دعاوی فرض می شود که رأی صادره مطابق با واقع است و رسیدگی مجدد به آن مساله شدیداً منع شده است (اعتبار امر مختومه). این قاعده امروزه از اساسی ترین قواعد دادرسی تلقی می گردد .

در مورد اینکه آیا رسیدگی دو درجه ای از نظر فلسفی، اجتماعی و قضائی شایسته است یا اینکه باید به رأی دادگاه در یک درجه احترام قائل شد و آن را ملاک عمل قرار داد، در سیستم های مختلف بحث های زیادی صورت گرفته است ، برخی بر این باورند که رسیدگی دو درجه ای همواره موجب اتلاف وقت دادرسی است، در حالی که از نظر دقت در دادرسی نیز مؤثر نمی باشد.

زیرا اگر فرض کنیم قضات مرحله پژوهشی مجرب تر از قضات مرحله بدوی هستند، سیستم دادرسی در معرض انتقاد قرار می گیرد، چرا که مقنن بیهوده قضات را طبقه بندی می کند و به محکوم علیه اجازه درخواست تجدید نظر میدهد.

اگر معتقد باشیم که از نظر قانونگذار قضات از درجه یکسانی برخوردار هستند در این صورت نیز رجحان نظر قضات پژوهش بر نظر قضات بدوی توجیه علمی نداشته و این امر نشان گر آن است که حکومت به قاضی گمارده خود اطمینان ندارد.

از طرف دیگر برخی بر این باورند که این واقعیت غیر انکار است و احتمال دارد آنچه که دادگاه حکم می کند مطابق با واقع و قانون نباشد، پس عدالت اقتضاء دارد که راهی برای جبران کاستی ها باز باشد و از استبداد قضائی جلوگیری به عمل آید و تجربه نیز نشان داده است که همواره وجود نظارت بر نحوه عملکرد قضات بهتر از آن است که گفته ی آنان بی چون و چرا پذیرفته شود.

از طرف دیگر تأمین صلح اجتماعی ایجاب می کند که روزی سخن آخر گفته شود و دعوا پایان پذیرد.

در فقه امامیه نیز در مورد جواز تجدید نظر در رأی قاضی اختلاف نظر وجود دارد در حالی که برخی آن را جائز می دانند و برخی شدیداً با آن مخالف اند.

در این مورد مانند سایر مباحث فقهی کمتر بحث فلسفی و عقلانی صورت گرفته است و آنچه نظرات فوق الذکر را حمایت می کند بیشتر آیات و روایات و سنت است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت همگام کردن حکومت با قواعد شرع مقدس اسلام اقدامات گسترده ای صورت گرفته که از جمله این اقدامات ایجاد تحول در نظام قضائی کشور بوده که علاوه بر تغییرات در قوانین ماهوی قوانین مربوط به شکل دادرسی نیز دچار تحول گردیده ، لذا دست اندرکاران این امر صرفاً بر اساس فتاوی معتبر فقهی مصمم به سامان بخشیدن به نظام قضائی کشور بوده اند.

اختلاف نظر های فقهی، متروک بودن بحث قضاء در حوزه های علمیه، آراستن نظرات فقهی در لباس قوانین موضوعه و بی تجربگی مقنن از جمله عواملی بود که موجب شد در نیل به یک دادرسی دقیق و سریع توفیق چندانی حاصل نگردد.

اولین متن قانونی در این مورد لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی (مصوب هزار و سیصد و پنجاه و هشت) شورای انقلاب بود که این قانون رسیدگی دو مرحله ای را در مورد دادگاه های حقوقی و جزائی از بین برد و تنها آراء محاکم صلح، پژوهش پذیر باقی ماند .

بنابر این تا حدودی رسیدگی یک درجه ای بر سیستم قضائی حاکم شد و حتی در مورد پژوهش پذیر بودن آراء دادگاه های صلح از شورای نگهبان استفتاء شد که در پاسخ شورای عالی قضائی شورای نگهبان در نظریه مورخ ۱۳۶۴/۴/۵ خود، «تجدید نظر در حکم حاکم شرع را جز در مورد ادعای عدم صلاحیت قاضی از سوی متداعیین و در مواردیکه حکم مخالف ضرورت فقه یا غفلت قاضی از دلیل باشد»، جایز ندانست.

در ادامه به علت وجود اشکالات عدیده، مجدداً در تاریخ ۱۳۶۸/۳/۳۱ قانون دیگری نیز تحت عنوان «قانون تعیین موارد تجدید نظر» به تصویب رسید. با عدم توفیق این قانون مجلس مجدداً در سال (هزار و سیصد و هفتاد و دو) در مورد نحوه تجدید نظر از آراء محاکم دست به قانون گذاری زد.

با تصویب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، نظام قضائی کشور دچار تحول شد.



باز مسأله تجدید نظر در رأی قاضی از حادترین بحث هایی بود که در این قانون مطرح گردید و پس از چالش های فراوان دو پیشرفت عمده در این قانون قابل ملاحظه بود؛

اول: پذیرش رسیدگی تجدید نظر در مورد برخی از آراء.

دوم: وضع مهلت بیست روزه برای اعتراض به رأی.

در مورد بحث مقایسه ای حقوق ایران و فقه امامیه باید گفت که عمده بحث مقایسه این دو دیدگاه درباره مسائل ماهوی (شرایط ماهوی) تجدید نظر بوده است، چون در فقه امامیه درباره مسائل شکلی تجدید نظر، از قبیل لزوم تقدیم دادخواست تجدید نظر، شرایط آن و غیره بحثی به میان نیامده است. همچنین باید متذکر شد که از آنجایی که نویسنده، خود در عرصه مسائل عملی حقوق توفیق فعالیت داشته، به خوبی به اهمیت مباحث عملی واقف بوده است. فلذا در این رساله سعی کرده تا از آراء وحدت رویه، آراء شعب دیوان عالی کشور، آراء دادگاههای تجدید نظر استان غافل نباشد، بلکه سعی شده در تفسیر مقررات قانونی به منبع غنی مزبور مراجعه شود.

اگر روزی از تو پژوهش کنند همه مردمانت نکوهش کنند ---- ابوشکور

وزین هر چه گویم پژوهش کنید اگر خام باشد نکویش کنید ---- فردوسی

## ۱-۱ بیان مسأله

موضوع تجدید نظر از احکام صادره از دادگاه ها در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران از موضوعات مهم و بحث برانگیز بوده است و اختلاف نظر در قطعی و غیر قابل تجدید نظر بودن حکم یا جواز تجدید نظر و نقض آن و آثار مختلفی که در مورد اصحاب دعوی و کسانی که موضوع حکم قرار گرفته اند داشته و در تشکیلات و سازماندهی سیستم و نهادهای قضایی نیز تاثیر زیادی گذاشته است و از تشکیلات تضمین حقوق و آزادی های فردی و تامین منافع جامعه می باشد .

در حال حاضر این گونه تلقی می شود که در نظام جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر سیستم قضایی اسلام و بلکه در مقام اجرای احکام و مقررات قضایی اسلام است حکم قاضی قطعی و لازم الاجرا است و مرحله دیگری برای رسیدگی مجدد و احیاناً نقض حکم اولیه وجود ندارد ، جز در موارد معدود استثنایی که تجدید محاکمه و احیاناً نقض حکم پیش بینی شده است .

بنابراین اصل ، قطعیت حکم صادره و عدم جواز تجدید نظر است مگر در موارد خاصی که به صورت استثناء امکان تجدید نظر پیش بینی شده است . قوانین مربوط به نحوه دادرسی هم که بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران تصویب شده بر این پایه استوار است یعنی اصل را قطعی بودن حکم قرار داده و موارد تجدید نظر را به صورت استثنای بر این اصل ذکر کرده است هر چند بطوریکه خواهیم دید قوانین مزبور به گونه ای است که در عمل اکثر احکام می توانند مورد تجدید نظر قرار گیرند.

در حالی که سطحی نگری و عدم تعمق در کلام فقها ، متون فقهی ، و قوانین مربوطه موجب گشته است تا مقنن همواره جانب افراط یا تفریط را در پیش گیرد . بدین ترتیب ضروری است تا رویکرد افتراقی مقنن در زمینه تجدید نظر احکام که گاهی منجر به محرومیت اصحاب دعوی از حقوق حقه خود شده و گاهی موجب می گردد تا هیچ حد و مرزی برای امکان اعتراض به حکم وجود نداشته و اعتبار امر مختومه را مخدوش نماید، مورد بررسی قرار گیرد.

همچنین ، علیرغم اهمیت موضوع ، متأسفانه مقررات پیش بینی شده در این خصوص بسیار ناقص، نارسا و مبهم می باشد. که این عملکرد ضعیف قانونگذار در تشریح قواعد و مقررات صریح و گویا موجب گشته تا همواره سؤالات و مجهولات متعددی برای حقوق دانان و حقوق خوانان مطرح گردد .

لذا با لحاظ مطالب فوق الذکر، انتخاب موضوع مزبور و مطالعه آن به شیوه تطبیقی ، در راستای دستیابی به اصول و قواعد کارآمد و راهگشا ضروری به نظر می رسد.

بطور کلی در این پایانامه مباحث خود را در چهار فصل طرح و بررسی کرده ایم : فصل اول را به کلیات پرداخته ایم در این فصل مباحثی از قبیل واژه شناسی ، پیشینه ، طرق تجدیدنظر خواهی و غیره و در فصل دوم به ماهیت و مبانی ، ادله و عدم ادله جواز و در فصل سوم به جایگاه ، آراء دادگاه و آثار تجدیدنظر خواهی و در فصل آخر به جمع بندی و نتیجه گیری پرداخته ایم .

## ۲-۱ سوالات تحقیق

- ۱- آیا از دیدگاه فقه امامیه جواز تجدیدنظر خواهی پذیرفته شده است ؟
- ۲- آیا تشکیلات قوه قضاییه در جمهوری اسلامی ایران تجدیدنظر خواهی را جایز می داند ؟
- ۳- آیا دو مرحله ایی بودن دادرسی و سیستم تعدد قاضی در دادگاه پژوهش اعتبار آراء جزایی را محقق می سازد؟

## ۳-۱ فرضیات تحقیق

- ۱- با مذاقه در فقه امامیه درمی یابیم که در مورد قاضی مجتهد عموم فقهاء بعنوان حکم اولیه به حرمت بررسی مجدد حکم قاضی مجتهد و نقض آن نظر داشته و صرفاً در موارد معدودی همانند ادعای اشتباه یا خطای قاضی یا عدم صلاحیت ، نظر به جواز رسیدگی مجدد داده اند. اما در مورد قاضی غیر مجتهد ، فقهاء بدون اختلافی قائل به جواز رسیدگی مجدد می باشند.
- ۲- قانون گذار جمهوری اسلامی ایران همانند سایر مکاتب حقوقی ، تجدیدنظر خواهی را بعنوان یک اصل مسلم در سیستم دادرسی خویش پذیرفته است، هر چند اصل را در احکام دادگاه ها بر قطعی بودن گذارده است.

۳- بله وجود سیستم تعدد قاضی در دادگاه پژوهش به عنوان یکی از ابزارهای لازم جهت کشف حقیقت است و به نظر می رسد نتیجه ی رسیدگی پژوهشی نیز رضایت بخش تر بوده و به میزان قابل توجهی از اشتباهات قضایی جلوگیری می کند .

#### ۴-۱ روش تحقیق

روش تدوین این پایانامه همانند غالب پایانامه های علوم انسانی ، روش کتابخانه ای بوده و در انجام آن سعی گردیده است از منابع موجود اعم از کتب فقهی و حقوقی ، مقالات و رویه های قضایی به صورت جامع و گسترده استفاده شود. با مراجعه به کتب مختلف و مقالات و مطالعه آنها ، فیش برداری های لازم صورت گرفته و سپس مطالب ، نظرات و آراء مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که در نهایت به شکل حاضر درآمده است.

#### ۵-۱ مفاهیم

اینک به تعریف و تبیین برخی از اصطلاحات مرتبط با موضوع می پردازیم .  
بر این عقیده ایم که تعریف درست و دقیق یک اصطلاح ، در گرو شناخت بار معنایی آن در گذشته و حال است . گذشته از این جهت که یک واژه ، سرگذشت و تاریخ ویژه به خود را دارد .  
دانستن معنای لغوی یک اصطلاح و آگاهی یافتن بر دیدگاه لغویان درباره آن اصطلاح ، کمک بسیار به تعریف درست آن می کند ، زیرا تعریف اصطلاحی بسیاری از واژگان ، از معنای لغوی آن دور نیست ، ازاین روتلاش می شود تا قبل از تعریف اصطلاحات ، نخست به معنای لغوی این اصطلاحات اشاره ای کوتاه گردد .

#### ۱-۵-۱ تجدیدنظر خواهی

با اینکه واژه تجدیدنظر به کرات در قوانین مختلف بکار رفته است هیچ کدام تعریفی از تأسیس مذکور ارائه ننموده اند. حال برای روشن شدن مفهوم تجدیدنظر، مفهوم لغوی و اصطلاحی آنرا